

نباید برای خواب زاویه ای اساسی در زندگی و در تجزیه و تحلیل های خود باز کنید.

شماره پرسش: ۲۰۶۲۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۸/۸ ۰۷:۱۴:۲۲

متن پرسش

با سلام: فرمودید خواب حجت نیست. پس چرا ائمه به ما دستور العمل برای دیدن خوابشان را داده اند؟ مگر نه این است که ارتباط با عالم غیب ابتدا از طریق خواب و سپس از طریق شهود است؟ اگر امیدوار به رد و بدل اطلاعات با عالم غیب نباشیم دینداری خسته کننده می شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «شرح ده نکته از معرفت نفس» و نیز در تفسیر آیه ۴۲ سوره زمر بحث شده است، اگر به آن مباحث رجوع بفرمایید ملاحظه می کنید اساساً نباید برای خواب زاویه ای اساسی در زندگی و در تجزیه و تحلیل های خود باز کنید. قصه ای خدمتتان عرض کنم شاید تا حدی به جواب سؤالتان نزدیک شوید: متوکل عباسی، تعبیرکنندگان خواب و کاهن های دربار را جمع کرده بود و با تهدید گفته بود باید بگویید: «من چند سال دیگر حکومت می کنم؟» این بیچاره ها از کجا بدانند؟! یکی از آنها با اطمینان کامل گفته بود: قربان! ۳۳ سال دیگر حکومت می کنید. متوکل از او می پرسد از کجا می گویی؟ گفته بود: چون شما امشب ۳۳ دُر را در خواب می بینید. همه معبرین از جواب قاطع او خیلی تعجب کردند که چطور می شود با توجه به علم تعبیر خواب، چنین چیزی گفت. فردا صبح که متوکل از خواب بیدار شده بود به آن شخص گفته بود: باریک الله! تو راست گفتی من ۳۳ دُر را خواب دیدم، پس حتماً ۳۳ سال دیگر حکومت می کنم. بعداً معبرین از همکار خود پرسیدند: از کجا گفتی؟ گفت: من به او القا کردم که ۳۳ دُر خواب می بینی، روحش ۳۳ دُر را در حالت خواب در خیال خود ایجاد کرد، و هیچ خبری هم از ادامه حکومت ۳۳ ساله او نیست. به همین ترتیب اگر کسی خیلی به خودش القا کند که امام زمان (ع) را در خواب می بیند، ممکن است واقعاً در خواب ببیند. اما چه کسی را در خواب دیده است؟ آن امام زمان ساخته ذهن خودش را که در بیداری تصور می کرد و دوست می داشت که در خواب هم ببیند.

بر روی چگونگی «خواب» وقت بگذارید، این همه روایت داریم که خواب حجت نیست. نمی خواهیم بگوییم که ممکن نیست در غیب در خواب به روی شما باز شود، آری؛ گاهی ممکن است در منظر صورت خیالیه شما، یک نور بصری از امام (ع) برای شما ظاهر شود، ولی می خواهیم بگوییم: خود امام به ما یاد داده اند که خواب حجت نیست. و شما حق ندارید برای خوابتان در تصمیم گیری هایتان زاویه بازکنید. باید متوجه باشید که خیالات رهزن است و ما را بازی می دهد، به طوری که واقعاً خیالاتمان

را می شنویم و فکر می کنیم از خارج صدایی شنیده ایم و یا خیالاتمان را می بینیم و فکر می کنیم در بیرون داریم می بینیم، چون اگر کسی خود را در این وادی ها انداخت و مسیر طبیعی را رها کرد، خیالاتش آنقدر قوی می شود که نمی تواند بین بیرون و درون را تفکیک کند، حتی برای عزیزانی که در صدق و صفا هستند چنین خطر و اشتباهاتی هست.

در مقدمه کتاب «آیه الحق» مرحوم حسین غفاری از قول حاج شیخ عباس قوچانی (وصی مرحوم سید علی آقا قاضی (ره)) نقل می کنند که یکی از افراد مشهور به کرامت به در منزل مرحوم قاضی آمد و گفت: من حالی داشتم که تمام گیاهان، خواص و آثار خود را به من نشان می دادند، مدتی است حاجبی حاصل شده و دیگر به من نمی نمایانند، از شما تقاضا دارم که عنایتی بفرمایید تا آن حال به من بازگردد. مرحوم قاضی (ره) به او فرمود: دست من خالی است. او رفت و پس از زیارت عتبات، به نجف برگشت، یک روز که جمیع شاگردان نزد مرحوم قاضی گرد آمده بودند، در منزل ایشان آمد و از بیرون در، سرش را داخل نموده، گفت: آنچه را که از شما می خواستم و به من ندادید، از حضرت صاحب الأمر گرفتم و حضرت فرمود: به قاضی بگو بیاید نزد من، با او کاری دارم. مرحوم قاضی سر خود را بلند کرد و گفت: بگو قاضی نمی آید.

نویسنده در ادامه می گوید: اولاً میان راه توحید و طریق معرفت نفس که روش تربیتی عرفای بالله است با راه تقویت نفس که شیوه ارباب ریاضات و اصحاب مکاشفات و کرامات است، فرق هست. وقتی گفته می شود که اصحاب کرامات و مکاشفات و ریاضات به دنبال تقویت نفس هستند و نه عبور از آن، چه بسا به ذهن افراد خام، از کلمه تقویت نفس، خدای ناکرده اشتغال به امور لهو و لعب متبادر شده و از این جهت انتساب بسیاری از بزرگان صاحب کرامت و دعاوی باطنی را به این طریقه، غیرقابل قبول بشمارند، ولی خوب نظر کن که فرد مذکور یکی از اصحاب مکاشفه بوده و در چاره گشایی امور مادی و معنوی خلیق اشتها داشته و حتی در این سالهای اخیر، بعضی وی را در زمره عرفای عظام شمرده، و عبرت بگیر که چنین شخصی غایت خواسته اش که عمر گرانبها را صرف آن کرده و از این شهر به آن شهر و از این امام به آن امام و از مرحوم قاضی تا صاحب الأمر را مورد سؤال قرار داده، بازگشت حالی است از حالات نفس و قوایی از قوای باطن که مثلاً بتواند کشف خواص دارویی گیاهان بکند. و بدان که لذت بهره مندی از این قوای نفسانی و لذت استفاده و بروز کرامات، گاه آنچنان قوی است که صدها برابر لذات ظاهری حسی است و شخص واجد این حالات ابداً نمی تواند از آنها عبور نماید و البته با محمل های کمک به خلق و دستگیری و غیره، آنها را برای خود توجیه می کند، ولی مهم این است که همه اینها کمالات و آثار نفس است و هدف عرفان، فنای تمامی آثار و شوائب نفسانی از پایین ترین درجات تا بالاترین مراحل آن، که با نورانیت بسیار شدید توأم است.

ثانیاً؛ بنگر به کلام قاضی که به آسانی و سردی می گوید: دست ما خالی است، آری نه دست او که دل و جان او از هر گونه خواست و قوای منتسب به انبیت نفس خالی است. ثالثاً؛ بنگر به گفتار آن شخص

در اخذ خواست خود از امام زمان (ع) و پیام معاتبه آمیز از جانب حضرت به مرحوم قاضی که به قاضی بگو: بیاید با او کار دارم، که حکایت دارد که آن شخص به زعم خود به شرف ملاقات امام عصر (ع) نائل شده و حضرت خواسته او را برآورده ساخته اند و گفته اند به قاضی هم بگو بیاید. و دیدی که قاضی هم گفت: بگو قاضی نمی آید! که این جواب قاضی، نشان تشخیص قاضی است از سستی توهمات و دعاوی کثیره مدعیان ملاقات با امام زمان (ع). این پاسخ قاضی یعنی امام زمان مورد ادعای شما، چیزی جز امر خیالی و نفسانی و توهمی و ساخته نفس شما یا شیطان نیست.

در ادامه می فرماید: در محضر آیتالله طهرانی (ره) به مناسبتی سخن از همین دعاوی مربوط به رؤیت حضرت صاحب الأمر (ع) شد. ایشان از قول حضرت آقای هاشم حدّاد مستقلاً یا از ایشان به نقل از حضرت آقای قاضی (قدس سرهما). فرمودند که «غالب این ادعاهای رؤیت در طول تاریخ به جز چند مورد محدود و معدود، امور خیالی و نفسانی بوده و حداکثر از قبیل مکاشفات روحیه است که صاحب آنها آن را امر عینی و حقیقی می پندارد. مؤلف محترم از قول مرحوم آیت الله قاضی نقل می کند که شیخ احمد احسایی روزی به شاگردان خود گفت: من هر وقت به حرم مشرف می شوم به حضرت سلام می کنم، حضرت بلند جواب می دهند، به طوری که اگر شما هم آنجا باشید می شنوید، يك مرتبه با من بیایید تا بفهمید. روزی شاگردان وی به حرم مشرف شدند، شیخ سلام کرد، بعد رو کرد به شاگردان و گفت: جواب شنیدید؟ گفتند: نه! دومرتبه سلام کرد و گفت: شنیدید؟ گفتند: نه! پس شاگردان و خود او دانستند که شیخ در این موضوع اشتباه کرده است (صدایی را که نفس خودش ایجاد کرده است، می شنیده و تصور می کرده آن صدا از خارج است)» نقل از کتاب آیه الحق، تألیف سید محمد حسن قاضی، صفحات ۱۰۰-۱۰۲. موفق باشید